

دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران با نگرشی بر حقوق جزای بین‌المللی

تالیف
مهناز نصرتی

انتشارات قانون‌یار

۱۳۹۶

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول	۱۱
کلیات (مفاهیم، مبانی، قلمرو و پیشینه دادرسی منصفانه)	۱۱
فصل دوم	۴۹
اصول حاکم بر دادرسی منصفانه در مقررات داخلی و حقوق بین‌المللی	۴۹
فصل سوم	۱۲۱
تضمینات تشکیل دهنده حق بر دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی ..	۱۲۱
فهرست منابع	۱۹۳
الف - کتب	۱۹۳
ب - مجلات و مقالات	۱۹۵
ج - پایان نامه ها	۱۹۸
د- منابع اینترنتی	۱۹۹

مقدمه

مفاهیم دادرسی و عدالت ریشه در تمدن تاریخ بشری دارند. از قدیم الایام عدالت را صفت ذاتی دادرسی قلمداد می کردند و چگونگی رفتار منصفانه در دادرسی در کلیه نظامهای حقوقی بویژه نظام حقوقی اسلام مورد توجه بوده است. با این حال تغییر و تحول همه جانبه جوامع بشری و روابط حاکم بر آنها در اثر عطف توجه شایان به موازین حقوق بشر در دادرسی در سده های اخیر موجب شده که «حق دادرسی منصفانه» در اسناد و موازین بین المللی حقوق بشر، مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرد و اصول و تضمینات آن در انواع دادرسی مطرح شود.

امروزه که از دنیا به عنوان دهکده جهانی نام می برند و هیچ حادثه و واقعه ای نمی تواند بی تاثیر در افکار عمومی سایر ملتها باشد، هماهنگی کشورها در اتخاذ تدابیری که به نحوی به اداره امور کشور مربوط می شود و مستقیم یا غیرمستقیم به حقوق بنیادین بشری افراد تحت قلمرو دولتها تاثیر می گذارند، بیش از پیش ضروری می نماید. یکی از این حقوق بنیادین حق بر دادرسی منصفانه با تمامی ارکان و لوازم آن است.

هر چند اصل حاکمیت دولتها، عدم مداخله سایر دولتها در اداره امور مملکتی خاصه قوه قضائیه را ایجاب می نماید اما مقوله حقوق طبیعی و امروزه حقوق بشر که انسانها از آن حیث که انسانند، از آن برخوردارند، رعایت حقوق برابر در تمام جهان و احقاق آن را در هر کشوری به قدری بدیهی می نماید که دولتها را بر سر جمع آوری و توافق بر سر حداقل های این حقوق به دور هم گردآورده و اعلامیه ها، کنوانسیون ها، اصول، رهنمودها و امثال آنها را می توان از دستاوردهای آن دانست.

با نگاهی به کنوانسیونها، میثاقها، بیانیه ها و اعلامیه های متعدد بین المللی در می یابیم که حتی در اموری که پیش از این در صلاحیت صرف حاکمیت دولتها بود، حداقل هایی در نظر گرفته شده است که دست دولتها را در اقتدار بی حد و حصر بسته است. پس با شرایطی که بر جهان بین الملل کنونی حاکم است، در می یابیم که پشت کردن به استانداردها و حداقل های بین المللی حقوق بشری در نظر گرفته شده برای رفتار با شهروندان و بی اعتنائی نسبت به آن جز انزوای بین المللی ثمری نخواهد داشت.



در میان کنوانسیونها و استاندارد سازی‌ها، دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از نقش محوری و اهمیت به سزایی برخوردارند. با تحقق حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولتهایی که به این میثاق می‌پیوندند، موظف و ملزم هستند که حقوق شناخته شده در آن را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسبت یا سایر وضعیت‌ها، محترم شمرده و تضمین نمایند.

در اسناد بین‌المللی مختلف تاکید شده دولتهای عضو مکلفند این استانداردها را در نظام بین‌المللی جذب و وارد نظام ملی کنند. در همین زمینه دو تعهد به دولت تحمیل می‌شود، تعهد کلی خود دولت، **تعهد به رعایت (obligation to respect)** و **تعهد به تضمین (obligation to insure)** هم خود نقص نکند و هم از نقص آن جلوگیری کند. دولتهای عضو مکلفند وسیله مطمئن برای احقاق حق اشخاص که حقوق آنها نقض شده است را فراهم آورند.

حق بر دادرسی منصفانه از حقوق شناخته شده در سطح بین‌المللی است. در اغلب معاهده و کنوانسیونهای حقوق بشری به این حق و تضمین‌های آن اشاره شده است. مصادیق یک دادرسی منصفانه نه تنها در چارچوب دادرسی‌های مرسوم کشورها مورد نیاز می‌باشند بلکه این نیاز به طریق اولی و در جایگاهی وسیع‌تر، در ارتباط با دادگاههای نظامی همچون دادگاههای گوانتانامو و به طریق کلی تمامی دادگاههایی که خارج از اصول و قواعد مرتبط با تشکیلات قضایی حاکمه در یک کشور و یا یک منطقه ایجاد می‌گردند، احساس می‌شود.

اما چرا دادرسی منصفانه یا عادلانه اهمیت دارد؟ دادرسی منصفانه و ساز و کارهای نیل به آن از آن رو مورد توجه و اهمیت است که علاوه بر این که مانند سایر موازین حقوق بشری ناظر به برخی از حقوق انسانی چون حق دفاع است اما از سوی دیگر چتر حمایتی برای سایر حقوق بنیادین بشری نیز محسوب می‌شود. رعایت اصول دادرسی منصفانه موجب حفظ سایر حقوق انسانی مثل حق آزادی، حق رهایی از شکنجه، و امثال آنها در مقابل اقتدار و حاکمیت دولتها

خواهد بود. کلیه این موازین در راستای جلوگیری از استبداد قضائی و محدود کردن اقتدار سیستم قضائی در پیشگیری از جرم، تعقیب متهم، محاکمه و نهایتاً مجازات محکوم و به عبارتی اجرای عدالت در درون کشورهاست.

در نظام دادرسی کیفری اسلامی به عنوان نظامی مستقل و قائم به ذات، هرگز شیوه‌ها و روشهای دادرسی دوران باستان و قرون وسطی در اروپا و کشورهای معاصر آن دوران مورد تأیید نبوده است. این نظام دادرسی بخشی از کلیت نظام حقوق اسلام است که با ظهور رسالت حضرت رسول اکرم (ص) در قرن هفتم میلادی براساس منابع مربوط (کتاب، سنت، عقل و اجماع)، پیش بینی و مقرر شده است. اصول مقرر در نظام دادرسی کیفری اسلام با نظامهای موجود همزمان ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی و حتی تا قرن هجدهم در اروپا و کشورهای معاصر، که از احکام مترقی اسلام پیروی نکرده‌اند، قابل مقایسه نیست. شکنجه متهم در قرون مزبور در اروپا، عادی و قانونی بوده است، در حالی که به موجب منابع و متون معتبر فقهی، اقدام ضدانسانی مذکور برخلاف دستور شریعت بوده و اقرار ناشی از شکنجه فاقد اعتبار شرعی است.

استفاده از روش غیرمعقول آوردالی در صورت تردید در صحت انتساب اتهام به متهم، فاقد مجوز در نظام دادرسی اسلام است و اصولاً جزء ادله اثبات دعوی در حقوق اسلام محسوب نمی‌شود.

همچنین اصولی از قبیل اصل برخورداری متهم از فرضیه بی‌گناهی و تفسیر قوانین جزایی به نفع متهمان در صورت تردید در انتساب بزه به آنان، ۱۴ قرن قبل از آن در حقوق اسلام پیش بینی شده است. ملاحظه منابع و متون حقوق اسلام در روش قضائی و دیدگاههای امام علی (ع) بیانگر این است که ایشان قرن‌ها قبل از سیر تکاملی تحول دادرسی کیفری به این اصول پایبند و بلکه واضع آنها بوده است.

فصل اول

کلیات (مفاهیم، مبانی، قلمرو و پیشینه دادرسی منصفانه)

هدف از تدوین این فصل بیان مسائل مقدماتی و کلی در ارتباط با موضوع طرح یعنی: دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و بین‌المللی می‌باشد. در واقع می‌توان از آن به عنوان مدخل و دیباچه برای ورود به مطالب اصلی پایان‌نامه نام برد. از آنجائیکه برای بررسی علمی هر مقوله، بایستی مفاهیم و اصطلاحات کلیدی آن موضوع، شفاف و روشن گردد، به همین منظور در این فصل، برخی از اصطلاحاتی که ارتباط تنگاتنگ مفهومی و موضوعی با مسأله دادرسی منصفانه دارند را بررسی می‌کنیم.

مبحث اول - تبیین مفاهیم و چگونگی پیدایش دادرسی منصفانه

واقعیت آن است که دادرسی منصفانه در هیچ سند بین‌المللی تعریف نشده است و در اسناد مختلف فقط به ذکر مقتضیات تشکیل دهنده دادرسی منصفانه اکتفا شده است همچنین در حقوق داخلی ایران نیز تعریفی ارائه نگردیده است.^۱

«دادرسی منصفانه یکی از مهمترین ضرورت‌های جامعه دموکراتیک و محورهای پذیرفته شده جهانی حقوق انسانی است. حق‌ها و معیارهای زیادی باید رعایت شوند تا بتوان از وجود یا تحقق دادرسی منصفانه سخن به میان آورد».^۲

۱- یوسفی، ایمان، تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری (ایران، کامن‌لا، رومی-ژرمنی)، ص ۱۴۰



سه واژه «دادرسی»، «محاكمه» و «Trial» در اصطلاح حقوقی مترادف هستند. واژه «دادرسی» مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. پس، دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است.^۲ بنابراین واژه «دادرسی» خود به معنی رسیدگی به عدل و داد است و دادرسی منصفانه به نوعی تأکید مؤکد است.

کلمه **Trial** مصدر است که از **try** گرفته شده و یکی از معانی لغوی آن سنجش، آزمون و بررسی است، و در فرهنگ قضائی به مفهوم رسیدگی است که از همین معنا اقتباس شده است. در لغت هم برخی فرهنگ‌ها این کلمه را به معنای «رسیدگی رسمی به ادله در یک دادگاه قانونی، به وسیله قاضی و اغلب یک هیأت منصفه، برای تصمیم‌گیری راجع به این که آیا شخص متهم به یک جرم، مجرم است یا نه» معنی کردند. همان گونه که ملاحظه می‌شود، این تعریف ناظر بر رسیدگی کیفری است، لیکن موضوع محاکمه اعم از کیفری و غیر کیفری است. با نظر به این مفهوم عام می‌توان **Trial** را «رسیدگی قضائی» معنا کرد.

واژه منصفانه ترجمه کلمه «Fair» است، که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا هر طرف» آمده است و نیز به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است، مانند آنجا که وصف معامله، سهم، دستمزد، قیمت و مانند آن واقع می‌شود. در ادبیات قضائی، این واژه‌ها به معنای داشتن وصف بی‌طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانبداری و نفع شخص، عادلانه، منصفانه، غیرجانبدارانه و برابری میان طرفین منازعه به کار برده می‌شود. این صفت در عبارت «دادرسی عادلانه» نیز بر همین معانی دلالت دارد.

حق دادرسی منصفانه یک نرم حقوق بشر بین‌المللی است که به منظور حمایت اشخاص در مقابل کاهش خودسرانه و غیرقانونی و آزادی‌های اساسی در نظر گرفته شده است که از برجسته‌ترین حقوق اساسی، از جمله حق حیات و آزادی‌های اساسی می‌باشد. حق دادرسی

۲- ضیایی فر، محمد حسن، «حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی با تأکید بر رویه دیوان

اروپایی حقوق بشر»، ص ۴۱۹

۳- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۲۱۸۸

منصفانه به موجب ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که تصریح نموده: «هر شخص حق دارد از یک دادرسی منصفانه و علنی که توسط یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تشکیل شده، برخوردار باشد». تضمین شده است. مقصود از دادرسی منصفانه، محاکمه بر مبنای عدالت است. با این توجیه دادرسی منصفانه تا قرون وسطی مصداق واقعی نداشت و تا این زمان، محاکمه افراد از حقوق پادشاهان بود که به وسیله حکام و روحانیون اجرا می‌شد، در این محاکمات، متهمان بی‌پناه به فجیع‌ترین طرق تحت شکنجه قرار می‌گرفتند تا بتوانند بی‌گناهی خود را در چنین شرایطی ثابت کنند.

بر طبق قواعد سالیک اوردالی، دست متهم را در آب جوش قرار می‌دادند تا متهم پس از ماه‌ها شکنجه، اگر زنده بود، بی‌گناهی‌اش ثابت شود. گذاشتن اعضا و یا اندام شخص در روغن مذاب، فرو بردن در سرب یا فلز گداخته، امری عادی تلقی می‌گردید. انقلاب کبیر فرانسه طلیعه پایان دادن به این دادرسی‌های وحشیانه بود و عصر رنسانس زمان به چالش کشیدن قدرت و روحانیون کلیسا، هر روز قاعده جدیدی وضع و رسوم وحشیانه کهن منسوخ می‌شد. مبارزات مردم جهت کسب آزادی، بدون داشتن دادگستری نوین امکان‌پذیر نبود. دستگاه قضائی، بدون استقلال، خام و بیهوده بود. مبارزان راه آزادی به جدی ساختار قضائی را هدف گرفتند و انقلاب عظیم در دستگاه قضائی ایجاد شد. دادگستری نوین بر مبنای استقلال قضات و قوه قضائیه ایجاد شد. این حرکت انقلابی عظیم تمام کار نبود بلکه باید هنوز قواعد جدیدی جهت حرمت انسان وضع می‌شد. جنایات ناشی از جنگ جهانی اول، ملل متحد را به وضع قواعدی جهت حفظ و حرمت انسان وادار نمود، اما این قاعده پراکنده نتوانست قواعدی جهان شمول را فراهم آورد.

آغاز جنگ جهانی دوم، شروع تجاوز وحشیانه به حقوق انسان‌ها به خصوص کشورهای اشغال شده از طرف دول متجاوز بود. جنگ جهانی دوم بالاخره در سال ۱۹۴۵ با پیروزی متفقین به پایان رسید. سال ۱۹۴۸ شروع پیروزی انسان‌های تحت ستم است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. اعلامیه‌ای که باید به خودسری‌ها و



تجاوزات حکام در سراسر جهان خط بطلان می‌کشید، چه این اعلامیه، مجموعه قواعد و مقررات جهان شمول است. در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

«هر کس در تعیین حقوق و تعهدات خویش و هر گونه اتهام جزایی که به او وارد شود، با مساوات کامل حق برخورداری از دادرسی منصفانه و علنی را در دادگاه مستقل و بی‌طرف دارد». به دنبال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقدامات سازمان ملل در این زمینه با تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ تکمیل گردید. ماده ۱۴ این میثاق به بیان موازین دادرسی منصفانه پرداخته است. این ماده همراه با مواد ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۵ میثاق، مجموعه ضوابط و اصول دادرسی منصفانه را تشکیل می‌دهد. معیارها و اصول دادرسی منصفانه در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگر همانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع تبعیض نژادی، منشور آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مجموعه مصوبات سازمان ملل در زمینه اصول اساسی نقش و کلا، استقلال قوه قضائیه تصریح و مورد شناسایی قرار گرفتند. لازم به ذکر است دولت ایران در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق گردیده، بر حسب ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدی که جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق گردیده در حکم قانون است. همچنین بند اول ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، بند اول ماده ۲۰ اساسنامه یوگسلاوی، بند اول ماده ۱۹ اساسنامه روند، بند (۲) ماده ۶۴ و بند اول ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، به این موضوع اختصاص دارد.

گفتار اول - تعریف دادرسی منصفانه

برای ورود به پژوهش و بحث درباره دادرسی منصفانه، بیش از هر اقدامی بایستی با دقت و ظرافت کامل، تعریفی جامع و مانع از دادرسی منصفانه ارائه گردد.

بند اول - مفهوم دادرسی منصفانه در حقوق داخلی

دادرسی منصفانه و اصول آن یکی از موازین حقوق بشری به شمار می‌آید که مهم‌ترین هدفش برخورداری طرفین دعوی از موقعیت مساوی و برابر در روند دادرسی است. از این اصل با عنوان «برابری سلاحها» یاد می‌شود.